

راه برون رفت از منجلا ب

امیر فیض - حقوقدان

انصاف در پاسخ

این تحریر با یک سوال شروع میشود به امید انصافی که در ادای پاسخ آن وجود خواهد داشت.

سوال این است؛ آیا احدی از امضاکنندگان قطعنامه به اصطلاح شورای ملی! میدانستند که پی آمد امضای آن قطعنامه که بغلط بنام منشور معرفی شده ارسال نامه شورا به خامنه ای و بیعت باخفت با اوست؟

اگر نمیدانستند پس همان ندانستن به آنها میگوید که شما بدانید، در منجلا بی قدم گذاشته اید که فرورفتن و یا بیرون آمدن از آن منجلا ب بدست خودتان نیست، به هر خفت و ذلتی که بخواهند شما را میکشند نامه به خامنه ای نمونه اول آن است.

آیا یادتان رفته که در سال ۱۳۷۸ مجلس جمهوری اسلامی لایحه ای را مطرح کرد که پی آمد عفو عمومی را داشت و مضمون آن این بود که ایرانیان خارج از کشور با پذیرش قوانین جمهوری اسلامی خواهند توانست به کشورشان بازگردند.

اعلیحضرت نخستین کسی بودند که در مقابل طرح عفو جمهوری اسلامی، میهن پرستانه عمل کردند و جبهه گرفتند و بیانیه ای تحت عنوان؛

«حقوق انسانی و سیاسی خود را با چنین عفو معامله نکنیم»

خطاب به ملت ایران ایراد فرمودند به قسمتهای کوتاهی از آن بیانیه برای استحکام این تحریر رجوع میکنیم.

* این جز تلاش مذبحانه رژیم نیست که برای پوشاندن چهره کریه خود به این ترفند ها دست میزنند؟

* مضحک است به جای آن که ایرانیان بی گناه از گناه عناصر تبهکار حاکم بر ایران امروز بگذرند، رژیم دست پیش را گرفته است.

* مباحثان ریاکار حکومت دینی به کسی که از خط تغییر ناپذیر آنان پیروی نکند رحمی روا نمیدارند.

* پیش از آنکه کاری صورت گیرد بهتر است از خود بپرسیم آیا پیش از آن که دمکراسی پایه گیرد و نهادینه گردد بخشودگی معنایی خواهد داشت و یک نظام استبدادی چگونه خواهد توانست امنیت مخالفان مسالمت آمیز خود را تضمین کند؟

* هیچکس حقوق انسانی و سیاسی خود را با چنین عفو معامله نمی‌کند، هیچ ایرانی آزادیخواهی نمیتواند چنین عفو را به پذیرد بی آنکه به اصل آزادی خیانت ورزد گناه در این مورد چیزی جز این نیست که بخشودگان بانک اعتراض علیه بیدادگری های بخشاینندگان بردارند.

* بیگمان من در این تلاش تنها نیستم من درسفرهایم به نقاط مختلف دنیا ایرانیان پاک نهاد و دلسوزی رادیده ام که هرگز تن به این خواری و زوال میهن خویش نمیدهند.

(مشروح و نقد بیانیه درسنگر ۱۵ بهمن ۸۷)

ارزیابی لایحه عفو جمهوری اسلامی بانامه شورا به خامنه ای

ارزیابی لایحه عفو جمهوری اسلامی که ایرانیان به همت اعلیحضرت به رد آن مباهی شدند با نامه ای که اخیرا شورای به اصطلاح ملی! بمفهوم و مضمون بیعت باخفت به خامنه ای نوشته از این نظر مهم و لازم است که شرافت مبارزه را در سال ۷۸ وافول عجیب آنرا نشان میدهد، از باب مثال اگر در سال ۷۸ ایرانیان به خواست پادشاهشان حقوق سیاسی و انسانی خودشان را با عفو پیشنهادی جمهوری اسلامی معامله نکردند در سال جاری حقوق انسانی و شرافت خود را همراه با بیعت با جمهوری اسلامی و شخص حاکم آن جمهوری تقدیم کردند، آنهم به طریق ذلت و خفت بار.

اگر در سال ۷۸ عامل مقاومت در مقابل طرح عفو عمومی شخص اعلیحضرت بودند در کمال تاسف در سال جاری از قرآن چنین پیداست که نامه بیت خفت آمیز به خامنه ای از پشتیبانی ایشان برخوردار بوده است.

فرق بین عفو و بیعت این است که در عفو، شخص حاکم، محکوم و یا مخالف رامی بخشد و در واقع یک بخشش یکطرفه است ولی بیعت، عهدی است که بموجب آن اعلام وفاداری و اطاعت از بیعت شونده است، در عبارت روشنتر بیعت، عذرخواهی همراه با اطاعت است. بیعت عملی است که مختص شناختن حق حکومت و سلطنت و خلافت برای حاکم وقت است، و همچنین گاه به مناسبت هائی بیعت نشان دهنده تجدید عهد و پیمان و تاکید دوباره خلافت و حکومت است، و این رسمی است که خلفا و سلاطین گهگاهی و بمناسبت هائی تجدید بیعت را لازم میدانستند.

اهمیت بیعت در جوامع اسلامی در حدی است که بیعت با حاکم بیعت با خدا تلقی شده است آیه دهم سوره فتح و همچنین است کسی که برخلاف بیعت و عهد خود با حاکم عمل کند مستحق مرگ است.

عمده تفاوت بیعت و عفو در این است که در عفو، حاکم پیشقدم میشود و بمناسبت هائی عفو عمومی میدهد ولی در بیعت شخص بیعت کننده که مخالف حاکم بوده هست از مخالفت دست میکشد و پیشقدم شده و اعلام وفاداری به حاکم مینماید و در کلام دیگر در عفو، عفو شده هیچ تعهدی نداده و عفو به معنای بیعت و عهد و پیمان با حاکم نیست بلکه یک عقد یکطرفه و در مفهوم بخشش و هبه است.

یکی از آقایان در گفتگوی تلفنی گفت؛ >به بینیم که عکس العمل جمهوری اسلامی نسبت به نامه بیعت آمیز شورا چیست< تصور میکنم که معنای بیعت برای آن، ایرانیار روشن نشده است، بیعت همانطور که تعریف شده <عهد بستن با خداست> همانطور که عهد بستن با خدا قبول و یا امضای خدا را لازم ندارد بیعت با شخص دیگر هم همینطور است. بیعت یک مسیر حقوقی است که بیعت کننده را با خود میبرد، و نیازی به قبول و یا شرط و شروط ندارد.

یک نمونه برای تفکر بیشتر

یک نمونه عرض کنم که جای تفکر را باز میکند؛

در سال ۷۸ مقارن انتخابات طویل اسلامی بود که دولت لایحه عفو را به مجلس برد، برای اینکه یک ترسیم چهره انسانی از جمهوری اسلامی در جریان انتخابات به جهانیان ارائه داده شود چنانکه کیهان لندن بشماره ۷۸۸ نوشت؛ <هدف از طرح عفو عمومی انگیزه بشردوستانه بوده است>

ولی عجیب و قابل فکر کردن این است که درست در جریان انتخابات ریاست جمهوری اسلامی امسال شورای به اصطلاح ملی ایران! بیعت ایرانیان خارج از کشور را با جمهوری اسلامی و علی خامنه ای رهبر غاصب ان اعلام کرد، تا دنیا بداند که جمهوری اسلامی نه آن است که بود بلکه موقعیتی دارد که از دید برخی از ایرانیان خارج از کشور که سی سال است علیه آن رژیم مقاومت میکنند، شایسته بیعت است.

تقارن در عمل و موضوع و نتیجه را ملاحظه میفرمائید؟

اعلیحضرت در مصاحبه بافق اشاره ای داشتند مبنی بر اینکه اگر ما سرعت عمل کردیم برای این بود که انتخابات جمهوری اسلامی در جریان بود. درست که، بیان ایشان متوجه تحریم انتخابات بود ولی با توجه به تقارن عفو عمومی سال ۷۸ و بیعت نامه مورخ ۲۳ اردیبهشت سال جاری شورا، میتوان گفت که سرعت در تحریر نامه و ارسال آن بدون سروصدا رعایت همان انگیزه خاص برای چهره سازی جمهوری اسلامی بوده، آنهم بوسیله شورای به اصطلاح ملی! که اثر جهانی آن بمراتب بیشتر از عفو است که جمهوری اسلامی در سال ۷۸ قرار گذاشته بود بدهد، زیرا بیعت از طرف اپوزیسیون و رهبر سنتی و قانونی آن است و در معنا کل مخالفین و مخالفت ها در جریان بیعت آنهم از نوع خفت بار آن قرار گرفته است.

طرح صراحتها در بیانیه اعلیحضرت و بیعت نامه

در بیانیه اعلیحضرت در سال ۷۸ صراحت هائی وجود دارد که اکنون غیرت و وجدان انسان در مقابل نامه بیعت باخفت به جمهوری اسلامی از شرم، ریش ریش میشود.

* نامه بیعت با خامنه ای نشان میدهد که ما ایرانیان حقوق انسانی و سیاسی خود را با نوشتن آن نامه با بیعت با جمهوری اسلامی معامله کرده ایم و اگر در سال ۷۸ معامله نکردیم امسال به غبن خود متوجه شده ایم.

* نشان میدهد که اگر در سال ۷۸ مباشرین جمهوری اسلامی رحمی به مردم نداشتند حافظه مزبور درست نبوده و یا جمهوری اسلامی و مباشرین آن در این سالها به انسانهایی وارسته و حقوق شناس تبدیل شده اند.

* نشان میدهد اگر در سال ۷۸ نبود دموکراسی، مانع اجرای عفو عمومی بوده است اکنون این مانع بر طرف است و همه ایرانیان در قالب دموکراسی زیر چتر جمهوری اسلامی قرار دارند، که مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی پیشگام بیعت شده اند.

* نشان میدهد که اگر در سال ۷۸ اعلیحضرت > تنها نبوده اند و ایرانیان پاک نهاد و دلسوزی هرگز تن به خواری و زوال میهن خویش نمی دهند <

در این سال دیگر از آن ایرانیان دلسوز و پاک نهاد که تن به خواری و زوال میهن خویش نمیدادند، اثری نیست و عموم آنها دانسته و فهمیده اند که جمهوری اسلامی حق است و پاک نهادی و دلسوزی برای وطن از طریق بیعت با خامنه ای و جمهوری اسلامی تامین میشود.

* اگر در سال ۷۸ اعلیحضرت تنها کسی بودند که به آن پیشگامی مبادرت فرمودند در این سال هم تنها کسی هستند که علی القاعده شاید میتوانستند مانع این بیعت شوند و نشدند زیرا، فقط در شرائطی میتوان از بیانیته سال ۷۸ عدول کرد و راه بیعت را پذیرفت که بیعت کننده درک کرده باشد که تاکنون راه خطائی میرفته که از بیعت و ایجاد مشروعیت برای جمهوری اسلامی خودداری مینموده است.

* از یکطرف، میفرمایند > ما توانائی خود را بر این اصل متمرکز ساخته ایم که به جهانیان تفهیم کنیم که توانائی آنرا داریم که اوضاع ایران را تغییر دهیم و هموطنان بدانیم که ماموفق خواهیم شد < و از سوی دیگر یکدفعه اعلام بیعت با جمهوری اسلامی اعلام میشود، شفافیت و با مردم بودن یعنی همین و یا قال گذاردن یعنی آن؟

* از یکطرف مدام و مکرر از جامعه جهانی می خواهیم که با جمهوری اسلامی قطع مذاکره کند و با اپوزیسیون دیالگ داشته و کمک کند و از طرف دیگر بی محابا دست بیعت، آنهم باخت به سوی جمهوری اسلامی دراز میکنیم، حقیقتا جامعه جهانی! به این بی بند و باری فکری ما چه می اندیشد؟

* از یکطرف از ملت مقاومت می خواهیم، و اعلام میفرمایند > هموطنان داخل کشور هشیار باشند تا کسانی بمنظور بر آورد کردن اغراض شخصی خود از وجود گرانقدر آنها سوء استفاده نکنند. من بموقع به آنها خواهم گفت که چه بکنید و چگونه بکنید < و بعد پس از سی سال انتظار، خودمان یکدفعه با جمهوری اسلامی بیعت میکنیم، واقعا جواب ملت را چه میتوان داد؟ ملت هیچ، جواب وجدان و شرافت خود را چه گوئیم؟

از یکطرف میفرمایند؛ > غاصبان حقوق ملت اینگونه هراسان شده اند و آزادیخواهان جهان این چنین بیسابقه به تحسین از هواداری پیکار ما برخاسته اند <

و از طرفی سراسیمه و غیر قابل انتظار با جمهوری اسلامی بیعت میشود، آیا واکنش هراسانی غاصبان حقوق ملت و تحسین آزادیخواهان جهان از پیکار علیه جمهوری بیعت با رژیم غاصب است؟

* نامه بیعت مورد بحث، ساقط تمام ادعاها مبنی بر ابراز خشونت و عدم رعایت حقوق بشرو تعدی و تجاوز به حقوق مردم ایران از سوی رژیم اسلامی است و نشان میدهد که هر چه گفته ایم و به کرات هم گفته ایم ناپخته و از سر هوا و هوس بوده است، و این نامه بیعت مترتب بر عنذرخواهی از نادانی های گذشته! ما هم هست.

* بیعت مزبور ما را در زمره عهد مندان با جمهوری اسلامی در میآورد با این تفاوت که عهد شکنی ما از ردیف مخالفت خارج و در چارچوب عهد شکنی با خدا قرار میگیرد (آیه دهم سوره فتح) یعنی به هلاک خودمان بوسیله جمهوری اسلامی رضایت پیشاپیش داده ایم، البته که در این ماجرا دکان مخالفت مدنی کاملا بسته است.

راه برون رفت از این منجلاب

ایرانیانی که با نیت نه چندان پلید قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! را امضا واز منجلابی که آنها وکشور را در آن فرو برده استقبال کرده اند، آگاه باشند که منجلاب، خود به خود شما را رها نمیکنند وهرروز هم بیشتر فرومیبرد، شما خودتان هستید که باید تقلا کنید.

ما بنام ایران و سربلندی ایرانیان راه برون رفت از این منجلاب را در آینده نشان میدهم وحتی در خروج از آنراهم میگشائیم واین شما هستید که حرکت کنید واز درون این منجلاب بیرون بجهد و یا ننگ فرورفتن در آن رابرای همیشه بروجدان خود احساس کنید.